



20.1001.1.29809185.1402.2.3.2.0

تأثیر نظام مالیاتی فاطمیان بر امنیت اقتصادی مصر

وجیهه گل مکانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۸

چکیده

بررسی تاریخ اقتصادی مسلمانان نشان می‌دهد نظام مالیاتی کارآمد به عنوان یکی از مهمترین ابزار تأمین اهداف اقتصادی اسلام به ویژه ارتقاء سطح امنیت اقتصادی است و مورد توجه حاکمان مسلمان از جمله خلفای شیعی مذهب فاطمیان در مصر بوده است. دوره خلافت فاطمیان مصر، عصر طلایی مذهب اسماعیلی است که در طی آن اسماعیلیان موفق شدند دولتی مرفه از آن خویش پدید آورند و یکی از مظاهر تمدنی اسلام، یعنی شکوفایی اقتصادی را به نمایش بگذارند. در این نوشتار تلاش شده با بررسی نظام مالیاتی عصر اول خلافت فاطمی، به این سؤال اساسی پاسخ دهیم که اصلاحات نظام مالیاتی فاطمیان چگونه بر تأمین امنیت اقتصادی مصر تأثیر گذاشته است؟ یافته‌های پژوهش مبتنی بر روش توصیف و تحلیل داده‌های تاریخی نشان می‌دهد اصلاحات فاطمیان در نظام مالیاتی مصر به ویژه در شیوه‌های مالیات ستانی، نحوه مصرف مالیات‌های شرعی و حذف آن‌ها در مواقع بحران‌های اقتصادی، برقراری معافیت‌های مالیاتی در بخش تولید، تعدیل مبالغ مالیاتی بنا به اقتضائات سیاسی و اقتصادی، توسعه دیوان‌های مالی و اقتصادی، بازتعریف مالیات‌های جدید موسوم به مالیات‌های مکوس، قطع وابستگی مالیات‌های مکوس به بلایای طبیعی و بهینه کردن مخارج دولتی و توازن بودجه بر افزایش امنیت اقتصادی مصر مؤثر بوده است.

کلید واژگان: فاطمیان، امنیت اقتصادی، مالیات‌ها، شیوه‌های مالیات ستانی،

مکوس.

۱. دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران/ golmakani14@gmail.com

* گل مکانی، وجیهه. (۱۴۰۲). «تأثیر نظام مالیاتی فاطمیان بر امنیت اقتصادی مصر»، دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه، ش ۳، صص ۶۴-۳۵.



مقدمه

حکومت شیعیان اسماعیلی مذهب فاطمی در اواخر قرن سوم هجری در مغرب اسلامی طلوع کرد و پس از حدود شش دهه دعوت و تبلیغ به مصر رفت، در آنجا استحکام یافت و حدود دویست و هفتاد سال خلافت کرد. مصر در آستانه ورود سردار فاطمیان، بر اثر بحران‌های سیاسی متعدد، در شرایط اقتصادی نامتعادلی قرار داشت. در دهه‌های پس از سقوط طولونیان، کشمکش‌های پیاپی والیان متعدد عباسی بر سر قدرت، صدمات مهلکی بر ساختار اقتصادی وارد کرده بود، به طوری که بحران‌های اقتصادی مداوم و پی در پی در این منطقه و عدم توانایی اخشیدیان در مهار این بحران‌ها، زمینه پذیرش فاطمیان در مصر، را فراهم کرد. برخی از پژوهشگران علت اصلی گرایش مردم به فاطمیان را در این زمان، نیاز به امنیت، به ویژه امنیت اقتصادی دانسته‌اند. فاطمیان پس از آنکه موقعیت خود را مستحکم ساختند، توجه فراوانی به فعالیت‌های اقتصادی مبذول داشتند و در جهت تحقق اهداف اقتصادی اسلام (عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی و رونق اقتصادی) گام‌های مؤثری برداشتند. منابع تاریخی، ثروت و رونق اقتصادی مصر فاطمیان، عدالت و امنیت اقتصادی این حکومت را به وضوح به تصویر کشیده‌اند، اما در این مقاله تنها به امنیت اقتصادی مصر در این زمان و ارتباط آن با نظام مالیاتی آنان خواهیم پرداخت. امنیت اقتصادی وضعیت باثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه و دولت، احساس رهایی از خطر کرده و به طور بهینه می‌توانند به تولید، توزیع و مصرف بپردازند (گودرزی و اله‌دادی، ۱۳۹۸، ۴۵). با توجه به این که اکثر مردم مصر در هنگام حکومت فاطمیان بر این سرزمین سنی مذهب بودند و نظام مالیاتی این حکومت مبتنی بر فقه اسماعیلی استوار شده بود این سؤال اساسی پیش

روی محققان تاریخ فاطمیان قرار می‌گیرد که نظام مالیاتی دوره خلافت فاطمیان شیعی مذهب چگونه توانست امنیت اقتصادی مصر را تأمین کند؟ تبیین این دوگانه تاریخی و ردیابی چگونگی تأثیرگذاری نظام مالیاتی فاطمیان بر امنیت اقتصادی مصر، هدف این مقاله است. در این پژوهش بر اوضاع اقتصادی فاطمیان از زمان ورود فاطمیان به مصر (۳۶۳ ق) تا پایان دوره المستنصر بالله (۴۸۵ ق) تمرکز شده است و هر کجا از عصر اول فاطمیان نام برده شده، همین بازه زمانی مدنظر می‌باشد. مسائل اقتصادی مصر به ویژه در عصر اول فاطمیان، موضوع محوری مطالعات جدیدی از جمله «التشیع المصری الفاطمی» اثر حسن محمد صالح، «تاریخ الدولة الفاطمية» نوشته محمد جمال‌الدین سرور، «رؤية الرحالة المسلمين للاحوال المالية والاقتصادية لمصر فی العصر الفاطمی» از آمینه أحمد امام الشوریجی، «دولة الفاطمية فی مصر، تفسیر جدید» نوشته ایمن فؤاد سید، «تاریخ تشکیلات در اسلام» از شهیدی پاک و «مجاجعات مصر الفاطمیه، اسباب و نتایج» اثر احمد السید الصاوی قرار گرفته‌اند که غالباً به توصیف اوضاع اقتصادی این دوره پرداخته‌اند اما در صدد تبیین راهکارهای فاطمیان برای تأمین امنیت اقتصادی از طریق نظام مالیاتی، بر نیامده‌اند. در زمینه امنیت اقتصادی دوره فاطمیان تا کنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است و پژوهش‌هایی مانند «موقعیت تجاری افریقیه و مغرب و نقش آن در تأسیس خلافت فاطمی» از محمد علی چلونگر، «تاریخ القاهرة الاقتصادية والعلاقات الاقتصادية بین الشرق والغرب» از سلیمان مصطفی زبیس، «تشکیلات اقتصادی فاطمیان در مصر» از حمید رضا وردی، «مالیه مصر من عهد الفراعنه الی الآن» از عمر طوسون و «النظام المالی فی مصر خلال العصر الفاطمی» از ثامر لفته حسن الساعدی نظام مالیاتی مصر در دوره فاطمیان را بدون تمرکز بر ارتباط آن با مقوله امنیت اقتصادی مورد تفحص قرار داده‌اند.



منابع مالی فاطمیان

یک. مالیات‌های شرعی

مالیات‌های شرعی حکومت فاطمیان همانند سایر دولت‌های اسلامی به دو دسته تقسیم می‌شد: نوع اول عبارت بودند از زکات و خمس که مصارف آن‌ها توسط شرع مشخص شده است و خلفای فاطمی منابع درآمدی آن‌ها را در جای خود به مصرف می‌رساندند. نوع دوم عبارت بودند از: خراج، جزیه و عشور که مصارف عام داشتند و به صلاح‌دید امام خلیفه فاطمی، به عنوان حاکم اسلامی برای مصالح عمومی هزینه می‌شد (رک. غفاری، ۱۳۸۶، ۹۶-۷۲). فقهای مسلمان درآمدهای شرعی بیت‌المال را منحصر به این دو دسته منابع مالی می‌دانند و هرگونه وضع مالیات خارج از این انواع در نزد آنان غیرشرعی تلقی می‌شود (سید، ۱۴۰۰، ۴۶۹). مالیات‌های شرعی بیشتر نقش تأمین‌کننده امنیت اقتصادی برای جامعه مسلمان یا پیروان مذاهب مختلف اسلامی به طور خاص را دارند. انواع زکات و خمس از جمله راه‌حل‌های اسلام برای تعدیل ثروت و جلوگیری از تمرکز آن در دست ثروتمندان است. با توجه به آنکه بسیاری از شورش‌ها و اعتراضات اجتماعی ریشه در نابرابری‌های اقتصادی دارند، مالیات‌هایی مانند زکات که نقش تعدیل‌کننده در نظام اقتصادی ایفا می‌کنند در واقع بخشی از نظام امنیتی اسلام در بعد اقتصادی هستند و نه منبع درآمدی برای حکومت‌ها؛ زیرا از اغنیا گرفته شده و به فقرا داده می‌شود (سرور، ۱۹۶۵، ۱۰۷).

الف. تأمین امنیت اقتصادی در اخذ و مصرف مالیات‌های خمس و زکات

با وجود مشخص بودن موارد مصرف زکات و شرح آن‌ها در کتاب دعائم‌الاسلام قاضی نعمان و تأکید وی بر رعایت مصارف زکات در کتاب «الهمة فی آداب اتباع



الأئمة» (قاضی نعمان، بی تا، ۶۷)؛ در عین حال قاضی نعمان دست امام را باز می داند که درباره زکات، مطابق صلاحدید خود و با توجه به مشکلاتی که برای جامعه وجود دارد عمل کند (قاضی نعمان، بی تا، ۳۳۴). در دوره فاطمیان، انواعی از زکات به نام های نجوی، دینار الهجره و درهم الفطره نیز وجود داشت که پیروان اسماعیلی مذهب به داعی می پرداختند که نهایتاً به امام یعنی خلیفه فاطمی می رسید (مونس، ۱۳۹۰، ۶۴/۲) به نوشته ابن طویر این زکات از مردم فسطاط، قاهره و توابع آن مخصوصاً صعيد مصر گرفته می شد و مبلغ آن سه و یک سوم درهم بود (ابن طویر، ۱۴۳۰ق، ب ۱۱۲/۳). فاطمیان مبنای شرعی این زکات را آیه ۱۲ سورة مجادله می دانستند.^۱ خلیفه المستنصر به عنوان امام فاطمی در منشوری که در ربیع الاول سال ۴۸۰ صادر کرد درباره زکات نجوی و فطره می گوید: این صدقات بر هر مؤمن واجب است و امیرالمؤمنین همچنین خواستار پر کردن بیت المال هم نیست؛ بلکه می خواهد تا اعمال صالح مؤمنان را ارتقاء بخشد (ماجد، ۱۹۵۴، ۱۲۲).^۲ قاضی نعمان در کتاب «الهمة فی آداب أتباع الأئمة» بخشی را با عنوان «ذكر ما يجب للأئمة الصادقين اخذه من اموال المؤمنين و المؤمنات» به واجبات مالی پیروان ائمه اختصاص داده است (رک. قاضی نعمان، بی تا، ۷۳-۶۶)؛ اما در آن، درباره مالیات هایی مانند الهجره، البلغه و الفطره (مونس، ۱۳۹۰، ۶۳/۲) چیزی نیامده است، با وجود آنکه دینار الهجره و درهم الفطره از جمله واجبات مالی اسماعیلیان محسوب می شود. دینار الهجره و درهم الفطره از جمله مالیات های شرعی اسماعیلیان محسوب می شد که حمدان بن اشعث وضع کرده بود (نویری، بی تا، ۲۵/۱۹۳). اسماعیلیان دینار الهجره را به امام می دادند (مقریزی، ۱۳۸۷، ۱۵۶/۱) و با توجه به تقسیم بندی

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرُّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ».

۲. سجل شماره ۳۶.



اسماعیلیان از مناطق تحت سلطه خود به چندین جزیره، این مالیات برای رفع نیاز اولیایی بود که از مناطق و جزایر مختلف دعوت به دارالهجرة مهاجرت می کردند. «البلغه» نیز نوعی دیگر از واجبات مالی اسماعیلیان بود که مبلغ آن هفت دینار بود (مقریزی، ۱۳۸۷، ۱/۱۵۶).

قاضی نعمان در کتاب «افتتاح الدعوة» متن نامه ای را آورده است که زیاده الله اغلبي به مردم افریقيه نوشته و در آن ابو عبدالله شيعی را کافر صنعانی و تبدیل کننده دین خدا دانسته است (قاضی نعمان، ۱۴۲۶ق، ۱۱۵). زیاده الله یکی از علل انحراف ابو عبدالله از دین را اخذ اموالی از مسلمانان با عناوین دینارالهجرة و درهم الفطره می داند (قاضی نعمان، ۱۴۲۶ق، ۱۱۷) که تا آن زمان برای مردم افریقيه ناشناخته بوده است. ایوبیان هم منابع درآمدی شرعی از نوع زکات به نام الزکاة الخلیطین داشتند که ابن مماتی درباره آن توضیح می دهد (ابن مماتی، ۱۴۱۱ق، ۳۱۷). این نشان می دهد که نوع از مالیات های شرعی مختص به حکومت فاطمیان نیست.

نمی توان ادعا کرد که فاطمیان، از مالیات های شرعی ویژه اسماعیلیان به عنوان منبع درآمد مالی در هنگام بحران های اقتصادی استفاده می کرده اند، زیرا گزارش های تاریخی نشان می دهند اتفاقاً در مواقع تنگناهای اقتصادی، خلفای فاطمی این مالیات ها را به جهت رفاه حال مردم می بخشیده اند. چنین عملکردی نشان می دهد امنیت اقتصادی نسبت به خود اخذ مالیات های شرعی در اولویت بوده است و وضع و حال پیروان اسماعیلی مورد توجه خلفای فاطمی قرار داشته است. در صفر سال ۳۹۸ ق الحاکم، اخذ خمس، نحوی و الفطره را لغو کرد (مقریزی، ۱۴۱۶ق، ۸۲/۲) در حالی که قبل از آن، همواره این اموال دریافت می شد (مقریزی، ۱۴۲۹ق، ۵۰/۲) در سال ۴۰۰ ق

نیز مالیات‌های شرعی مانند خمس، نجوی و فطره را هم به‌منظور کمک به رعایت حال مردم بخشید (مقریزی، ۱۴۱۶ق، ۸۲/۲).

خلیفه فاطمی، المستنصر هم در دوره شدت عظمی، مالیات‌های خاص اسماعیلی را لغو کرد، زیرا در این دوره، راه‌ها امنیت لازم را برای انتقال اموال اسماعیلیان به دربار خلیفه نداشت و اموال مردم ضایع می‌گشت. از نامه‌ای که مستنصر در ذی‌قعدة سال ۴۶۸ ق به حاکم یمن (علی بن محمد صلیحی) نوشته، استفاده می‌شود که یمن در طول سنوات شدت عظمی، این مالیات‌ها را نفرستاده است (ماجد، ۱۹۵۴، ۱۸۹-۱۸۸). پس از شدت مستنصریه امنیتی که بدرالجمالی به‌وجود آورد سبب شد تا پیروان امام، بار دیگر مالیات‌های شرعی خود را برای او بفرستند «این امر از ستایش فراوان و اظهار سپاسگزاری و تشکر امام از آنچه بدر انجام داده است هویدا است و عیناً در چند نامه‌ای که در این دوره از سوی امام به جامعه اسلامی پیروانش در یمن نوشته شده است و خوشبختانه جزو مجموعه بزرگی از نامه‌های او به‌نام سجلات‌المستنصریه باقی مانده، انعکاس یافته است. خلاصه کلام آنکه هم مصر به‌طور کلی و هم امام شخصاً در دوره جدیدی با رونق و رفاهی که نتیجه اقدامات بدر بود، روبه‌رو شد» (واکر، ۱۳۹۸، ۹۰).

خمس از جمله منابعی است که اساس اولیه آن از غنائم دریافت می‌شده است. تشریع قانون خمس در اسلام، در هنگام جنگ بدر در سال دوم هجری و پس از گردآوری غنائم آن صورت گرفت و اساس آن را آیه ۴۱ سوره انفال تشکیل می‌دهد. به موجب این آیه، یک‌پنجم از آنچه غنیمت به‌شمار می‌آید، به خدا و رسول خدا ﷺ و ذوی‌القربی و سه گروه دیگر یعنی یتیمان، فقرا و درراه‌ماندگان اختصاص یافت. برداشت علمای شیعه در مورد کلمه «غنمتم» با توجه به معنای لغوی و روایات وارده از نبی اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام، هرگونه دستاورد اقتصادی را شامل می‌شود (حرعاملی،

۱۴۰۹ق، ۹/۴۹۰). در مقابل فقهای عامه «غنتم» را منحصر بر غنائم جنگی دانسته (ابویوسف، ۱۳۳۵، ۳۱؛ ابوعبید، بی تا، ۳۸۴) یا اضافه بر آن را مشتمل بر گنج و احياناً معدن نیز می دانند (ابوعبید، بی تا، ۴۲۱).

در کتاب «دعائم الاسلام» قاضی نعمان بخش جداگانه ای به عنوان خمس و احکام آن وجود ندارد و تنها در باب جهاد به احکام غنائم پرداخته است (قاضی نعمان، ۱۴۲۶ق، ۳۸۲)؛ اما در کتاب «الهمة فی آداب اتباع الأئمة» با ذکر این مطلب که صدقات بر اهل بیت روا نیست، روایتی از امام صادق (ع) نقل کرده که درباره خمس چنین می فرماید: «خمس متعلق به ما اهل بیت است و مردم از آن سهمی ندارند. ما در چهار پنجم غنائمی که در به دست آوردن آنها با مردم شرکت داشته ایم سهم هستیم و یک پنجمش هم اختصاص به ما دارد و از آن به ایتم و فقرا و در راه ماندگان خویش می دهیم و این افراد و ما در صدقات سهمی نداریم» (قاضی نعمان، بی تا، ۶۹-۶۸). حکم فقهی او در زمینه خمس شبیه امامیه است و غنیمت را به آن چیزی که از مشرکان گرفته شود اختصاص نمی دهد و آن را شامل هر در آمدی می داند که انسان به دست می آورد (قاضی نعمان، بی تا، ۶۹). خمس نیز همانند سایر مالیات های شرعی در مواقع بحران های اقتصادی به صلاح دید خلفای فاطمی بخشیده می شد همان طور که در قحطی سال ۴۰۰ ق. خمس نیز به منظور کمک به رعایت حال مردم بخشیده شد (مقریزی، ۱۴۱۶ق، ۸۲/۲).

ب. تأمین امنیت اقتصادی در اخذ و مصرف مالیات های جزیه، خراج و عشور
جزیه (مالیات سرانه) هم یکی از منابع مالیات های شرعی بود و از غیرمسلمانانی که تحت لوای حکومت اسلامی زندگی می کردند؛ ولی مایل نبودند مسلمان شوند، به صورت سالیانه اخذ می شد. در مقابل حکومت اسلامی نیز خدمات اقتصادی،

اجتماعی، رفاه و امنیت برای ایشان فراهم می‌کرد (صدر، ۱۳۷۴، ۱۱۳). مبلغ جزیه هم در صدر اسلام و هم در دوره پس از آن، سطح‌بندی داشته و بنا به توانایی پرداخت‌کننده متغیر بوده است. این امر در همه حکومت‌های اسلامی مراعات می‌شده است و از شاخص‌های مهم توجه به امنیت اقتصادی اهل ذمه محسوب می‌شد. مخزومی و ابن‌ممتی هر دو درباره جزیه در قرن ششم نوشته‌اند که جزیه سه سطح داشته است: از ثروتمندان چهار و یک‌ششم دینار، از طبقه متوسط دو دینار و دو قیراط و از کسانی که وضعیت اقتصادی ضعیف داشتند یک دینار و پنج‌هشتم دینار گرفته می‌شد (ابن‌ممتی، ۱۴۱۱ق، ۳۱۸؛ مخزومی، ۱۹۸۶، ۳۵). به علت رواداری مذهبی فاطمیان با اهل ذمه، جمعیت زیادی از آنان در قلمرو فاطمیان زندگی می‌کردند (تطیلی، ۲۰۰۲، ۷۵)؛ چنانکه اکثر ساکنان تنیس، شطا و دمیاط که شهرهای پررونق اقتصادی هم به شمار می‌آمدند، از نصارا بودند (حمیری، ۱۹۸۴، ۱۳۷) و در شهرهای بلیس و اسکندریه هم شمار زیادی یهودی سکونت داشتند (حموده، ۲۰۱۴، ۵۹). ابن‌ایاس نیز از وجود هفت هزار یهودی گزارش می‌دهد که در زمان الحاکم به سیاست‌های او علیه اهل ذمه واکنش نشان دادند (ابن‌ایاس، بی‌تا، ۱۹۸/۱). بنابراین با توجه به گزارشات فوق می‌توان حدس زد که عایدی فاطمیان از مالیات جزیه باید بالا بوده باشد.

نوع دیگر از انواع مالیات‌های شرعی، عشور یا مالیات بر تجارت نام داشت. این مالیات از کالاهای تجاری غیرمسلمین، هنگام ورود و خروج به مناطق اسلامی، گرفته می‌شد (ابویوسف، ۱۳۳۵، ۱۴۹-۱۴۸). فاطمیان در اخذ جزیه، خراج و عشور همان اصول اساسی قوانین اسلامی را مبنا قرار داده و مطابق آن عمل می‌کردند؛ اما جزئیات شکل و نحوه مالیات‌ستانی از همان ابتدا با توجه به شرایط اقتصادی تعریف می‌شد و شرایط



لازم برای تأمین امنیت اقتصادی مورد ملاحظه بود. شاید بتوان گفت نزدیک‌ترین منابع به زمان فاطمیان که تصویری از سازمان مالیاتی این حکومت را به شکل منظمی ترسیم کرده‌اند، «المنهاج فی احکام خراج» مخزومی و «قوانین الدواوین» ابن مماتی هستند. مخزومی در دسته‌بندی مالیات‌های شرعی (به جز زکات) تصویر زیر را از نظام مالیاتی مصر نشان می‌دهد. او درآمدهای شرعی بیت‌المال را به سه دسته تقسیم کرده است: اول «مال خراجی» که عبارت است از آنچه سالیانه از زمین‌های دارای کشت و زرع، خرما، باغ‌ها و تاکستان‌ها گرفته می‌شد و خود بر دو نوع بود: خراجی الزراعة و خراجی البساتین. این نوع خراج با سال شمسی یا قمری تنظیم می‌گردید. دوم «اموال هلالی» نام داشتند که ماهیانه دریافت می‌شدند و چهار نوع بود: جوالی (جزیه)، زکات، رباع و آنچه از بازگانان خارجی گرفته می‌شد. استخراج جزیه از محرم سال قمری تنظیم می‌شد. زکات بر حسب سال قمری البته از همان ماه که تملک صاحب آن آغاز شده بود حساب می‌شد. رباع و مانند آن که اجارهٔ املاک مسقف نظیر دکان‌ها، گرمابه‌ها، تنورها، آسیاب‌ها و حتی منازل متعلق به حکومت به آن ملحق می‌شد نیز بر حسب سال قمری بود (مخزومی، ۱۹۸۶، ۳۴). گزارش‌های تاریخی دربارهٔ اجارهٔ املاک سلطانی در عصر فاطمیان نشان‌دهندهٔ نوعی نظام ملکی حکومتی با درآمد زیاد است (ناصر خسرو، ۱۳۳۵، ۵۵-۵۴). یک تاجر خارجی نیز گزارش می‌دهد در سال ۴۹۶ ق اجارهٔ یکی از این اقامتگاه‌های دولتی که خود و خانواده‌اش در آن ساکن شده بودند ماهیانه ۳۰۰ دینار بوده است (Goitein, 1954, 791). دستهٔ سوم مالیات‌هایی بودند که سال ویژهٔ مالیاتی آن‌ها با ماه‌های قمری و خراجی (شمسی) تفاوت داشت و ۱۳ ماهه بود مانند: مالیات‌های کشتی‌های روان در نیل و گاوهایی

که برای شخم زدن به کار گرفته می شدند و همچنین گاوه های خرسی (منسوب به منطقه ای در مصر) (مخزومی، ۱۹۸۶، ۳۴).

دو. مالیات های غیر شرعی (مکوس)

مالیات های دیگری غیر از آنچه ذیل مالیات های شرعی فوق الذکر تعریف می شد و در زمان فاطمیان برای رفع نیازهای بیت المال و مخارج حکومتی وضع گردید، مکوس (عوارض گمرکی) نام داشتند که غالباً مربوط به کالاهای تجاری بودند. مقریزی «الاموال الهالیه» را نوعی عوارض گمرکی معرفی می کند که نه تنها شامل مالیات بازرگانان خارجی می شود بلکه هر گونه واردات و صادرات تجار مسلمان و غیر مسلمان را هم در بر می گرفت. وی معتقد است این نوع مالیات در عهد فاطمیان احیا شده و در این زمان به مکوس معروف بوده است (مقریزی، ۱۳۹۷، ۲۹۷/۱)؛ اما در واقع مکوس شامل همه نوع مالیاتی بود که از کالاهای وارداتی و صادراتی گرفته می شد (ماجد، ۱۹۵۳، ۱۱۷).

الف. تأمین امنیت اقتصادی از طریق وابستگی کمتر مالیات های

مکوس به بلایای طبیعی

با توجه به آنکه مکوس همه انواع مالیات های وضع شده بر کالاهای تجاری در صادرات و واردات را شامل می شد و منحصر به محصولات کشاورزی نبود وابستگی کمتری به خشکسالی و سیل و کم و زیاد شدن مقدار آب نیل داشت. در میان عوامل طبیعی زمینه ساز بحران های اقتصادی مصر، رود نیل و دگرگونی های آن، از اهمیت خاصی برخوردار بود. کشاورزی به عنوان شاهرگ حیات اقتصادی آن دوره در سرزمین مصر، علاوه بر توجه حکومت به فراهم کردن امکانات لازم برای توسعه آن،



به مقدار آب نیل هم بستگی داشت. به گفته مورخین «در سرزمین مصر، برف و باران نیست» (جیهانی، ۱۳۸۶، ۷۵) و اگر بارانی باشد بسیار ناچیز است. همه آبادی‌های آن در تابستان و زمستان وابسته به آب نیل هستند. یعقوبی در بلدان می‌نویسد: «مصر و همه آبادی‌های آن در تابستان و زمستان از آب نیل مشروب می‌شود... چه در سرزمین مصر جز اندکی باران نمی‌آید، مگر باران‌هایی که در سواحل می‌بارد» (یعقوبی، ۱۳۵۶، ۱۱۸/۱). به همین دلیل، هم رفاه مردم و هم عایدات دولت به مقدار آب نیل وابسته بود. به کارگیری راه حل‌هایی به منظور کاهش وابستگی منابع درآمدی حکومت به بلایای طبیعی از جمله افزایش و کاهش آب نیل یکی از تدابیر قابل توجه حکومت فاطمیان برای تأمین امنیت اقتصادی به ویژه در حوزه توازن بودجه به شمار می‌رود.

ب. تأمین امنیت اقتصادی از طریق امکان برقراری معافیت‌های مالیاتی بخش تولید

کارکرد دیگر مالیات‌های مکوس این بود که خلفا هنگام بروز بحران‌های اقتصادی، به منظور تأمین امنیت اقتصادی در بخش تولید، متناسب با علل و زمینه‌های بروز بحران، بخشی از مالیات‌های مکوس را موقتاً ملغی اعلام می‌کردند تا تولید در بخش‌های صدمه‌دیده با کاهش هزینه‌ها از جمله هزینه‌های مالیاتی، بهبود یابد و همچنین رفاه حال مردم در نظر گرفته شده و رضایت آنان کسب گردد. در سال ۴۱۵ق و در بحبوحه بحران گندم در مصر، دؤاس بن یعقوب که محتسب مصر در زمان الظاهر بود، بخشنامه‌ای را تنظیم و اجرا کرد مبنی بر کاهش مالیات‌ها از همه انواع غلاتی که در سواحل مصر خرید و فروش می‌شد. این تدبیر توانست موجب پایین آمدن قیمت و میزان عرضه آرد شود (مسبحی، ۲۰۱۴، ۸۶/۴۰) این نوع مالیات‌ها

(مکوس) همچنین می‌توانست بر حسب نیازهای حکومت در هر سال و با بررسی میزان کسری بودجه، درآمدها را به تعادل برساند. فاطمیان معمولاً در ذی‌حجه هر سال بودجه سالیانه خود را تنظیم و برای تطبیق درآمدها و هزینه‌ها تصمیم‌گیری می‌کردند (مقریزی، ۱۳۹۷، ۲۶۲/۴).

در طول دوران فاطمیان، حداقل ۸۰ نوع عوارض از تجار اخذ می‌شد که در طول سال بالغ بر ۱۰۰ هزار دینار بود. مشهورترین این عوارض «مکس البهار» یا عوارض ادویه‌جات بود. مقریزی در خطط، لیستی هشتادتایی از انواع این عوارض را آورده است (مقریزی، ۱۳۹۷، ۳۸-۳۹/۲). احتمالاً تعداد این مالیات‌ها بیش از آنچه باشد که مقریزی آورده است و بر هر تولید یا تجارتنی که درآمد بالایی داشته، تعلق می‌گرفته است. این گمان از نوشته مقدسی که مالیات را بر همهٔ مراحل تولید و خرید و فروش پارچه‌های شطانی در شهرهای تنیس و دمیاط دیده است تقویت می‌شود (مقدسی، ۱۳۶۱، ۳۰۶/۱-۳۰۵). آدام متر ادعا می‌کند فاطمیان از همه‌چیز به جز هوا عوارض می‌گرفته‌اند (متر، ۱۳۸۸، ۱۴۸). ظاهراً چنین دیدگاهی نسبت به مالیات‌ستانی فاطمیان صحیح نباشد، زیرا اگر چنین مالیات‌های سنگینی فقط برای افزایش درآمدهای مالیاتی و بدون سنجش هزینه-فایده آن گرفته می‌شد، مصر شاهد شکوفایی و رونق اقتصادی در دورهٔ فاطمیان نبود. احتمالاً تحلیل ابن حوقل دربارهٔ مالیات‌های تنیس در این دیدگاه‌ها تأثیر گذاشته باشد. ابن حوقل برنامه‌ریزی و شروع جدی مالیات‌ستانی فراگیر از طریق عوارض را به ابن کلس وزیر نسبت می‌دهد (ابن حوقل، ۱۹۳۸، ۱۵۳/۱).



ج. تأمین امنیت اقتصادی از طریق امکان تعدیل مبالغ مالیاتی بنا به اقتضات سیاسی و اقتصادی

در دوره فاطمیان مکان‌های خاصی، به اخذ عوارض گمرکی مالیات‌های مکوس اختصاص داشت. عوارض کالاهایی که از راه‌های زمینی حجاز، فلسطین، شام و بلاد مغرب به مصر وارد می‌شد در داخل شهرها گرفته می‌شد و مالیات کاروان‌هایی که از طریق صحرا از سودان می‌آمدند، در اولین نقطه دسترسی اخذ می‌شد (برای، ۱۹۴۸، ۲۶۸). در این دوره، اسکندریه مهم‌ترین مرکز اخذ عوارض در مدیترانه بود و به همین سبب رونق اقتصادی خاصی داشت (سالم، ۱۹۶۱، ۱۱۳).

رومیان یعنی بازرگانان بیزانسی و ایتالیایی مخصوصاً ژنوایی‌ها و ونیزی‌ها، برای کالاهایی که وارد بنادر مشرف به دریای مدیترانه در مصر می‌کردند، عوارض گمرکی (مکوس) می‌دادند که مخزومی به آن‌ها «خمس رومی» گفته است (مخزومی، ۱۹۸۶، ۴۵). این بازرگانان چون غیرمسلمان بودند عوارضی که می‌پرداختند ۳۵ درصد میزان کالاهایشان بود و گاهی به کمتر از ۲۰ درصد هم کاهش می‌یافت (برای، ۱۹۴۸، ۲۶۸). این نرخ متغیر نشان می‌دهد که به اقتضای مسائل سیاسی و اقتصادی، حکومت فاطمیان با همه تجار غیرمسلمان یکسان رفتار نمی‌کردند و مقدار عوارض دریافتی به عوامل سیاسی و اقتصادی بستگی داشت (سید، ۱۴۰۰، ۴۸۹). برای مثال به تاجران سرزمین‌هایی که کالاهای ضروری مصر را وارد می‌کردند، مانند صنایع نظامی و... تخفیف داده می‌شد (برای، ۱۹۴۸، ۲۶۸). به همین علت راجر دوم به مردم شهر سالرنو وعده داد تا برای آن‌ها نیز از دولت فاطمی در پرداخت خمس رومی تخفیف بگیرد، به‌طوری که بازرگانان این شهر در بندر اسکندریه همان مبلغی را بپردازند که مردم سیسیل می‌پرداختند (برای، ۱۹۴۸، ۲۶۸). راجر دوم، نخستین پیمان بازرگانی میان

قدرت مسیحی غرب با مصر را امضا کرده بود. نظام گمرکی در مصر، از حیث اقتصادی نقش‌های دیگری را هم ایفا می‌کرد. برای مثال یکی از وظایف مأموران گمرک مشخص کردن نیازهای دولت مرکزی بود و مقدار آن را هم کنترل می‌کرد (ابن مماتی، ۱۴۱۱ق، ۳۲۷). این نظام، سیستم بسیار مؤثری در جلوگیری از قاچاق کالاها (مقلومة التهريب) بود و امکان کنترل ارزش واقعی کالاهای وارداتی از طریق زمینی را فراهم می‌کرد. نقش مهم نظام گمرکی فاطمیان در تأمین امنیت اقتصادی قابل ملاحظه است، هرچند در نگاه اول به نظر می‌رسد که وجود سیستم گمرکی در مرز، بیشتر جنبه سیاسی و امنیتی دارد و مرزها را کنترل می‌کند (برای، ۱۹۴۸، ۲۷۰).

امنیت اقتصادی و اصلاح شیوه‌های مالیات‌ستانی در عصر اول

فاطمیان

شیوه حکومت‌های اسلامی در مالیات‌ستانی به دو صورت بود: یا به طور مستقیم و توسط عاملان حکومتی، مالیات‌ها اخذ می‌شد یا از طریق سیستمی با عنوان «ضمان» این امر صورت می‌گرفت. در شیوه اخیر، ضامن یا متقبل تعهد می‌کرد که سالیانه مبلغ مالیات منطقه خاصی را بپردازد. این مبلغ معمولاً کمتر از درآمدی بود که ضامن از این منطقه به دست می‌آورد و مازاد را برای خود بر می‌داشت (برای، ۱۹۴۸، ۳۲۲). شواهد تاریخی نشان می‌دهد فاطمیان از این شیوه مالیات‌ستانی استفاده می‌کردند. در سال ۳۶۳ ق و در زمان المعز، همه موقوفات به محمد بن قاضی ابوطاهر ذهلی به مبلغ دو میلیون و ۵۰۰ هزار درهم به ضمان داده شد (مقریزی، ۱۳۹۷، ۲/۲۹۵). خلیفه العزیز نیز دارایی‌های حکومت را به عده‌ای از کارگزاران از جمله علی بن عدّاس در سال ۳۸۰ ق به ضمان داد و پس از پایان یافتن سال، دخل و خرج حاصل از این ضمان



را مورد بررسی قرار داد (ابن صیرفی، ۱۹۲۴، ۲۴). هدف از به کارگیری این نظام مالی، سهولت در امر مالیات ستانی بود؛ علاوه بر این، کوتاه ترین مسیر برای برقراری توازن در بودجه سالیانه و پرداخت مقرری حقوق بگیران به ویژه سپاهیان محسوب می شد که در تأمین امنیت اقتصادی نقش مهمی ایفا می کرد. از نوشته های ناصر خسرو می توان چنین استنباط کرد که تعداد این مقرری بگیران زیاد هم بوده و اصطلاحاً دولت بزرگ بوده است. او تعداد سپاهیان المستنصر را در مراسم رکوب فتح الخلیج بسیار زیاد توصیف می کند و سپس می نویسد: «و این همه لشکر روزی خور سلطان بودند و هر یک را به قدر مرتبه مرسوم و مشاهره معین بود که هرگز براتی به یک دینار بر هیچ عامل و رعیت ننوشتندی؛ الا آنکه عمال آنچه مال ولایات بودی سال به سال تسلیم خزانه کردند و از خزانه به وقت معین ارزاق این لشکرها بدادندی چنانکه هیچ علمدار و رعیت را از تقاضای لشکری رنجی نرسیدی» (ناصر خسرو، ۱۳۳۵، ۶۰). سپاهیان و دیوانیان مهم ترین گروه حقوق بگیران بودند. حقوق دریافتی برخی از این افراد در زمان فاطمیان رقم های بسیار بالایی بوده است. دکتر محمد صالح در کتاب التشیع المصری الفاطمی مبلغی را که یکی از وزرای فاطمی به طور متوسط در سال دریافت می کرده معادل ۴۲/۵۰۰ کیلو طلا برآورد کرده است (صالح، ۲۰۰۳، ۳۹۸/۳).

در مصر، متولی خراج در آغاز هر سال در جلسه ای با حضور بزرگان، مبلغ خراج هر منطقه را اعلام می کرد و هر یک از افراد حاضر، اعم از مسلمان و ذمی، پرداخت خراج یک منطقه را متقبل می شدند. فرد متقبل از اموال خود، مبلغ خراج را به دولت می پرداخت و پس از آن در مواعدهای مقرر (معمولاً در سه قسط) خراج را از کشاورزان منطقه جمع آوری می کرد (مقریزی، ۱۳۹۷، ۲۸/۲). در این شیوه، دولت از رویارویی مستقیم با رعایا برکنار می ماند و زودتر از موعد به کل مال مقرر خراج

دست می‌یافت و فرد ضامن پس از جمع‌آوری خراج و محاسبه آن در صورتی که بیشتر از تعرفه ثابت، به دست می‌آورد، مبلغ مابه‌التفاوت را یا صرف خدمات عمرانی منطقه می‌کرد، مثل ساختن راه‌ها و کانال‌های آب و پل‌ها یا به حساب اموال شخصی خود درمی‌آورد (ابریشم کار، ۱۳۷۵، ۶۹۵۷).

باتوجه به اینکه مصر از آغاز فتح، سرزمینی خراج‌محور بود، نظام قباله زمین، امر گردآوری خراج را تسهیل می‌کرد (مقریزی، ۱۳۹۷، ۱۱۵/۱). توازن بودجه در نظام «ضمان» ساده‌تر از شیوه تحصیل مستقیم مالیات بود و دولت می‌توانست مقرری حکومتیان، مخصوصاً مقرری سپاه را - که در تأمین تثبیت حکومت و امنیت مردم حائز اهمیت بود - به موقع بپردازد. معمولاً اداره هر منطقه به همان فردی واگذار می‌شد که «ضامن» شده بود و این شیوه مدیریت به دلیل لزوم پاسخگوبودن ضامن، منطقی و کارآمد بود. افراد «ضامن» معمولاً سرمایه‌دارانی بودند که دارایی‌های خود را در زمینه‌های اقتصادی به کار می‌انداختند، لذا توان آن را داشتند که چنین التزامات مهمی را قبول کنند و از این طریق سود سرشاری به دست می‌آوردند (سید، ۱۴۰۰، ۴۷۵). مقریزی به همین علت نظام مالیات‌ستانی ضمان در عصر فاطمیان را بهتر از اقطاع عصر خودش می‌داند (مقریزی، ۱۳۹۷، ۲۸/۲).

تأمین امنیت اقتصادی از طریق بهینه‌کردن مخارج دولتی و توازن بودجه

اقتصاددانان یکی از مهم‌ترین کارکردهای حکومت اسلامی را تخصیص بهینه منابع، به‌ویژه منابع کمیاب و درآمدهای مالیاتی می‌دانند (چاپرا، ۱۳۹۳، ۲۰۷). انجام وظایف حکومت از جمله مدیریت بهینه منابع اقتصادی، مستلزم در اختیار داشتن



درآمدهای کافی و در کنار آن مدیریت صحیح این درآمدها از جمله سرمایه گذاری در امور زیر بنایی است تا بتواند تأمین کننده امنیت در حوزه اقتصادی باشد.

تخصیص بخشی از مخارج دولتی به احداث بناهای تمدنی در حکومت فاطمیان به بهترین شکل انجام گرفت. جوهر سیسیلی فاتح سرزمین مصر، با توصیه خلیفه، ساخت شهر قاهره را در هفدهم شعبان سال ۳۵۸ ق آغاز کرد (سخاوی، ۱۴۲۲ق، ۲۳۹). فاطمیان بناهای زیادی را در قاهره ساختند که از میان آنها، مسجد الأزهر برجسته ترین نمونه به حساب می آید. مسجد جامع الأزهر، اولین مسجد جامع رسمی دولت فاطمیان هم توسط جوهر سیسیلی (صقلی)، در قاهره بنا گردید. العزیز فاطمی یادگیرندگان علم و دانش در الازهر را از شرقی ترین نقطه مانند چین تا مناطق غربی مانند مغرب و افریقه و حتی اروپائیان شهریه می داد (الباشا و اخرون، بی تا، ۴۵۷). مؤسسه علمی دیگری که در دوره فاطمیان از جهت تنوع علمی و مذهبی، اهمیتی همانند الازهر داشت، دارالعلم فاطمی بود. برخلاف الازهر که غالباً یک نهاد مذهبی شناخته می شود، در مورد دارالعلم تقریباً اتفاق نظر وجود دارد که نهادی فرامذهبی بوده که علاوه بر حضور دانشمندان از ادیان و مذاهب گوناگون، علوم مختلف نیز در آن تدریس و پژوهش می شده است. دارالعلم توسط الحاکم تأسیس گردید و موقوفات زیادی در فسطاط به آن تعلق داشت (مقریزی، ۱۳۹۷، ۴/۴۷۰). به گفته مقریزی نهمین موقوفات الحاکم مربوط به دارالعلم و کسانی که در آن علوم مختلف را یاد می گرفتند، بود (مقریزی، ۱۳۹۷، ۴/۴۷۱).

سرمایه گذاری برای انجام امور عمرانی جاری و خدمات عمومی رایج، از دیگر سرفصل های هزینه های حکومت فاطمیان بود. به عنوان نمونه ساخت و تعمیر پل های معروف به پل های سلطانی توسط حکومت انجام می شد (مقریزی، ۱۳۹۷، ۲/۷۹). تعداد پلهایی که ابن مماتی در کتاب قوانین الدواوین نام می برد نشان از کثرت اهتمام

خلفای فاطمی به عمران و آبادانی، به‌ویژه در بخش زراعت دارد (ابن‌ماتی، ۱۴۱۱ق، ۳۰۸-۳۰۷). بخش دیگری از هزینه‌های حکومت متعلق به پرداخت‌های انتقالی بود که در زمان فاطمیان اشکال متنوعی داشت. خلفای فاطمی به‌ویژه چند خلیفه اول در مصر، از هر فرصتی برای اطعام و بخشش به مردم استفاده می‌کردند. «در سال چهارصد و بیست و یک برای ولایتعهدی پسر الظاهر که هجده ماه داشت، بیعت گرفتند. الظاهر برای خلعت اهل دولت و اطعام و بخش مال میان عامه چندان خرج کرد که به وصف در نمی‌گنجد» (مقریزی، ۱۳۹۷، ۱۲۲/۴). العزیز خلیفه فاطمی به عمویش گفته بود: دوست دارم نعمت‌ها را در دستان مردم ظاهر ببینم و همه آن‌ها طلا و نقره و جواهرات و اسب و مال و لباس فاخر داشته باشند. وقتی مردم این امکانات را دارند گویی من دارم (عیدروس، ۲۰۱۰، ۹۶). هزینه جشن‌ها و آیین‌های مذهبی و فرهنگی فاطمیان که رویکردی انتقالی داشت بخش عمده‌ای از مخارج حکومت را تشکیل می‌داد، به‌طوری که احتفالات فاطمیان مورد توجه خاص مورخان قرار گرفته است. مراسم و اجتماعات و جشن‌های فاطمیان به گشاده‌دستی ممتاز بود. فاطمیان به مناسبت این جشن‌ها، سکه‌های طلای کوچکی به نام «خراریب‌الذهب» ضرب می‌کردند که میان مردم توزیع می‌شد (ابن‌مأمون، ۱۹۸۳، ۹۵؛ مقریزی، ۱۴۱۸ق، ۳۶۵/۲). در عید غدیر، مجردین با هزینه حکومت ازدواج می‌کردند. ضعفاء و فقرا حتی غیرمسلمانان منتظر این عید بودند تا دختران خود را ازدواج دهند (مقریزی، ۱۳۹۷، ۲۳۴/۴). المعز مکان مخصوصی به نام دارالکسوه را ایجاد کرده بود که همه نوع لباس تابستانی و زمستانی و لباس عید، از زنانه و مردانه و بچه‌گانه وجود داشت و به مردم داده می‌شد (مقریزی، ۱۳۹۷، ۳۰۲/۴). همه‌ساله از نیمه‌رجب به بعد مواد لازم برای تهیه شیرینی‌های جشن‌های میلاد ائمه علیهم‌السلام فراهم می‌شد که مهم‌ترین آن شکر، عسل، زعفران، آرد و قلوب (چیزی شبیه به پسته و فندق) بود (ابن‌طویر، ۱۴۳۰ق، ۱۴۴).



شیرینی‌های اعیاد در مساجد و در بین فقرا به صورت گسترده توزیع می‌شد (ابن مأمون، ۱۹۸۳، ۳۶). هزینه آنچه در دارالفطره پخته و میان مردم پخش می‌شد بالغ بر هفت هزار دینار بود (ابن طویر، ۱۴۳۰ق، ۱۴۶). گزارش‌های فراوانی از مخارج انتقالی فاطمیان به مردم در مناسبت‌های مختلف مذهبی و ملی در منابع تاریخی وجود دارد. دکتر صالح محمد بخشی از جلد سوم کتاب خود -التشیع المصری الفاطمی- را به این گزارش‌ها اختصاص داده است (رک. صالح، ۲۰۰۳، ۱۶۱/۳-۱۲۱).

تأمین امنیت اقتصادی از طریق توسعه دیوان‌های مالی و اقتصادی

نظام اداری مسلمانان در مصر بر پایه نظام عصر بیزانس سازمان یافت. فاطمیان همانند امویان و عباسیان اداره حکومت مرکزی خود را از طریق مجموعه‌ای از دیوان‌ها انجام می‌دادند که در دوره استقرار در افریقیه پیچیده نبود. فرمانده فاطمیان بلافاصله پس از فتح مصر، از گروهی از دیوانیان معروف مانند یعقوب بن کلس که از قبل مصر را می‌شناخت و عامل مالی این منطقه بود و همچنین از عبدالله بن خلف المرصدی و عمر بن عمر العداس و به‌ویژه ابن فرات کمک خواست تا نظام اداری جدید مصر را بر اساس الگوی مطلوب مدنظر حکومت جدید پایه‌ریزی کنند (آینه‌وند و یوسفی‌فر، ۱۳۹۱، ۱۰۳/۱۲۸). زمانی که المعز فاطمی به مصر آمد یعقوب بن کلس توانست با درایت نظام اداری به‌جا مانده از دوره اخشیدیان را با مذهب اسماعیلی تلفیق و سیستم اداری مورد قبول خلیفه فاطمی را طراحی کند (آینه‌وند و یوسفی‌فر، ۱۳۹۱، ۱۰۳/۱۴۵).

قدیم‌ترین منبعی که درباره دیوان‌های عصر اول فاطمیان سخن به میان آورده، اخبار مصر مسیحی است که فقط از هشت دیوان نام برده است با عناوین زیر: دیوان احباس یا اوقاف (مسبحی، ۲۰۱۴، ۷۹/۴۰؛ دیوان برید (مسبحی، ۲۰۱۴، ۳۵/۴۰ و ۷۲)؛ دیوان ترتیب (مسبحی، ۲۰۱۴، ۱۲۳/۴۰)؛ دیوان جیش یا سپاه (مسبحی، ۲۰۱۴، ۱۰۶/۴۰)؛ دیوان

خراج (مسبحی، ۲۰۱۴، ۱۳/۴۰ و ۱۶/۹۳؛ دیوان شام (مسبحی، ۲۰۱۴، ۳۵/۴۰ و ۷۲ و ۱۱۲)؛ دیوان عرائف (مسبحی، ۲۰۱۴، ۹۴/۴۰)؛ و دیوان کتامیان (مسبحی، ۲۰۱۴، ۱۳/۴۰ و ۳۳ و ۵۵). ابن خلکان، ابن میسر و مقریزی از دیوان‌های دیگری هم در عصر اول فاطمیان نام برده‌اند از جمله دیوان‌های: مفرد (مقریزی ۱۴۱۶ق، ۸۱/۲)؛ نفقات (ابن خلکان، ۱۳۶۴، ۴۰۸/۱؛ مقریزی، ۱۴۱۶ق، ۹۰ و ۴۸/۲)؛ دیوان امّ الخلیفه المستنصر (مقریزی، ۱۴۱۶ق، ۱۹۵/۲)؛ و دیوان خاص (مقریزی، ۱۴۱۶ق، ۲۴۹/۲). دیوان‌هایی با اسامی دیوان اولیاء کبار، دیوان طحاویه (ظاهریه) و دیوان فرحی نیز از جمله مواردی هستند که نام آن‌ها در «السجل المنشور» صادرشده از طرف الظاهر فاطمی آمده است (سید، ۱۴۰۰، ۳۲۳). از آنجا که قلقشندی انشاء را در رأس سایر دیوان‌های فاطمیان آورده است، می‌توان این دیوان را هم به لیست دیوان‌های فاطمیان در این دوره اضافه کرد (قلقشندی، ۱۳۳۲-۱۳۳۸، ۳۵۹-۳۵۸/۱۰). از عناوین نام‌گذاری شده بر روی دیوان‌های فاطمیان می‌توان حدس زد این دیوان‌ها با هدفی خاص و با توجه به نیاز تأسیس می‌شده‌اند، پس منطقی است که با تحقق یافتن آن هدف یا رفع مسئله شکل‌گیری دیوان، می‌توانسته منحل شود. همچنین اهمیت منطقه شام را به عنوان تنها منطقه دارای دیوان مستقل از حکومت مرکزی فاطمیان را روشن می‌سازد و بیان می‌کند که دیوان‌های دولتی در عصر فاطمیان به تدریج دچار تغییرات و تعدیلات می‌شده‌اند. تنظیمات متبحرانه‌ای که یعقوب بن کلس و عسلوج بن حسن نسبت به تشکیلات اداری و مالی مصر اعمال کردند، شالوده نظام اداری فاطمیان در مصر را استوار کرد و اصلاحات اداری بدرالجمالی آن را مجدداً سازماندهی کرد.

دیوان خراج در آن دوره مانند وزارت دارایی امروز عمل می‌کرد، زیرا بر امور مالی ایالت‌ها نظارت داشت و صورت هزینه‌ها و درآمدها در آن ثبت می‌شد. ابن خلدون وظیفه این دیوان را «انجام کارهای خراج‌ستانی و حفظ حقوق دولت در



دخل و خرج» می‌داند (ابن‌خلدون، ۱۳۴۵، ۴۶۵/۱). در مصر، هر اقلیم، دیوانی جداگانه داشت که زیرمجموعه دیوان مرکزی خراج محسوب می‌شدند. دیوان خراج مرکزی تمام اطلاعات زمین‌ها و مقادیر خراج همه ولایات را ثبت می‌کرد و بخشی از خراج ولایات را می‌گرفت (عبدالمجید سلام، ۱۹۷۱، ۱۰۱).

«دیوان خاص» نیز که متصدی آن در زمان الحاکم بأمرالله، عیسی‌بن‌نسطورس بوده است (ابن‌میسر، ۱۹۸۱، ۱۷۹)، وظیفه‌اش کنترل و تأمین هزینه‌های شخصی خلیفه بوده است (شهیدی‌پاک، ۱۳۹۲، ۱۷۶) و احتمالاً بخشی از این هزینه‌ها را از مالیات‌های شرعی اسماعیلیان تأمین می‌کرده است. مسیحی از وجود خزانه خاصه در زمان الظاهر خبر می‌دهد (مسیحی، ۲۰۱۴، ۱۱۳/۴۰). «دیوان مجلس» از دیگر دیوان‌های اقتصادی فاطمیان است که بنیاد دیگر دیوان‌هاست. همه آنچه را که به هزینه‌های سیاست‌های عمومی مربوط می‌شد در بر می‌گرفت. از مهم‌ترین کارهای این دیوان تعیین «استیمار» یا بودجه عمومی حکومت بود که سالیانه در ذی‌حجه تنظیم می‌شد (مقریزی، ۱۳۹۷، ۲۶۲/۲-۲۶۱). جداول موازنه سالیانه فاطمیان را نداریم؛ اما از مطلب فوق مشخص می‌شود که هر نوع درآمدی، اختصاص به نوعی خاص از هزینه‌ها داشته است. در سال‌هایی که خزانه فاطمیان خالی می‌شد و به عبارتی با کسری بودجه مواجه می‌شدند جشن‌ها، اعیاد و مناسبت‌های مذهبی شیعیان و مسیحیان تحت تأثیر قرار می‌گرفت و تعظیم شعائر کم‌رنگ می‌شد. بعضی هزینه‌ها هم مانند هزینه‌های برقراری امنیت در ابعاد مختلف و هزینه افزایش قاضیان برای برخورد با شورش‌ها و متمرّدین اضافه می‌شد که در دوره عادی وجود نداشتند. بذل و بخشش‌های خلفا به انواع کارگزاران نیز در این ایام کم می‌شد یا قطع می‌گردید و نفوذ خلیفه و اوامر او کاهش می‌یافت (سید الصاوی، ۱۹۸۸، ۱۴۸).

دیوان مفرد نیز از جمله دیوان‌های اقتصادی بود که در بازتوزیع نقدینگی و تأمین امنیت اقتصادی نقش مهمی داشت. یک اقتصاد خوب نیازمند نهادهای کارآمد است

(عطارزاده و سیدحسینی، ۱۳۹۱، ۸۵/۶). نهادسازی برای مبارزه با فساد مالی از کارویژه‌های اساسی همه حکومت‌های مقتدر است (عطارزاده و سیدحسینی، ۱۳۹۱، ۱۲/۶). چنین کارکردی در حکومت فاطمیان، از طریق نهادی با عنوان «دیوان مفرد» انجام می‌گرفت. مصادره اموال و مایملک رجال و بزرگان حکومتی به منظور تنبیه ایشان، از صدر اسلام و از دوره خلیفه دوم وجود داشت (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۱۴۰/۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲۳۳/۳). اصطلاح مصادره برای جریمه صاحب‌منصبان خاطی دولتی به کار می‌رفته است که از محل منصبی که داشتند اموال نامشروع کسب می‌کردند (قربانی حصاری، ۱۳۹۵، ۴۸). نقدینگی حاصل از این مجازات، آنچنان قابل‌توجه بود که توجه حکومت‌ها را به این مقوله به‌عنوان یک منبع درآمدی به‌خود جلب کرد. در مصر و قبل از فاطمیان هم مصادره اموال رجال درباری و بازرگانان ثروتمند وجود داشت (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ۴۳/۴). اولین مصادره اموال توسط فاطمیان، مصادره ۵۰۰ هزار دینار از اموال یعقوب‌بن کلس وزیر بود که توسط العزیز بالله صورت گرفت (نویری، ۱۴۲۳ق، ۱۵۹/۲۸). بدرالجمالی نیز پس از برقراری امنیت در مصر، اموال تعداد زیادی از متخلفان اقتصادی در اسکندریه را مصادره کرد (طغوش، ۲۰۰۷، ۳۴۱).

الحاکم بامرالله به‌منظور سامان‌دادن به این اموال که در زمان او افزایش چشمگیری یافته بود نهادی تأسیس کرد که «دیوان مفرد» نام گرفت (مقریزی، ۱۴۱۶ق، ۸۱/۲؛ قلّشندی، ۱۳۳۲، ۵۲۴/۳). تأسیس «دیوان مفرد» توسط الحاکم در سال ۴۰۰ ق فارغ از جنبه‌های اخلاقی و سیاسی آن، هم در زمان حاکمیت خودش و هم در دوره‌های بعد، راه‌حلی برای بازگرداندن طلاهای انباشته شده توسط ثروتمندان به چرخه مبادلات اقتصادی و یکی از مهم‌ترین اقدامات فاطمیان در جهت تأمین امنیت اقتصادی این دوره بوده است.

نتیجه گیری

امنیت اقتصادی به عنوان یکی از اهداف سه گانه نظام اقتصادی اسلام، به شیوه های گوناگون مورد توجه حکومت شیعه مذهب فاطمیان مصر بوده است. فاطمیان موفق شدند نظام مالیاتی مستقر در مصر را به گونه ای با فقه اسماعیلی تلفیق کنند که موجب افزایش شاخص های ارتقاء امنیت اقتصادی در این سرزمین گردند. قاضی نعمان، فقیه مشهور فاطمیان، حتی در نحوه مصرف مالیات های شرعی مانند زکات که موارد مصرف خاص دارند دست خلیفه را باز می گذارد تا مصلحت مسلمین را در نظر بگیرد. گزارش های تاریخی نشان می دهند در مواقع تنگناهای اقتصادی، خلفای فاطمی مالیات های ویژه اسماعیلیان را هم به جهت رفاه حال مردم می بخشیدند. چنین عملکردی نشان می دهد امنیت اقتصادی نسبت به خود اخذ مالیات های شرعی در اولویت بوده است و وضع و حال پیروان اسماعیلی مورد توجه خلفای فاطمی قرار داشته است. نمونه های تاریخی از لغو این گونه مالیات ها در حکومت فاطمیان در منابع فراوان است. مهم ترین اصلاحات فاطمیان در نظام مالیاتی مربوط به مالیات های غیر شرعی بود که بازتعریف مجدد این مالیات ها موسوم به مکوس سبب می شد تا درآمدهای حکومت، وابستگی کمتری به بلایای طبیعی داشته باشد، بنا به اقتضائات سیاسی و اقتصادی نرخ های متغیری برای آن ها تعریف شود، از قاچاق کالا جلوگیری شود و امکان کنترل ارزش واقعی کالاهای وارداتی فراهم گردد. توسعه دیوان های مالی نیز توازن بودجه را تسهیل، شیوه های مالیات ستانی را عادلانه تر و برگشت طلاهای کنز شده به چرخه تبادلات اقتصادی را میسر نمود که همه این موارد از شاخص های ارتقاء امنیت اقتصادی محسوب می شوند.



منابع

* قرآن كريم.

١. ابن اياس، محمد بن احمد، **بدائع الزهور في وقائع الدهور**، الجزء الاول، القسم الاول، محقق محمد مصطفى، الطبعة الاولى، المعهد الألماني للأبحاث الشرقية، بيروت، فرانز شتاينر، بى.تا.
٢. ابن حوقل، محمد، **صورة الأرض**، مجلد الاول، الطبعة الثانية، بيروت، دار صادر، ١٩٣٨م.
٣. ابريشم كار، صديقه، «مدخل خراج»، **دانشنامه جهان اسلام**، ج ١، ١٣٧٥ش.
٤. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، **مقدمه**، ترجمه محمد پروين گنابادى، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، چ دوم، ١٣٤٥ ش.
٥. ابن خلكان، أحمد بن محمد، **وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان**، المجلد الخامس، محقق إحسان عباس، بيروت، دار صادر، ١٩٩٤ م / ١٣٦٤ ق.
٦. ابن سعد، محمد، **الطبقات الكبرى**، المجلد الثالث، طبعه الأولى، محقق محمد عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٩٩٠ م / ١٤١٠ ق.
٧. ابن صيرفى المصرى، ابوالقاسم، **على بن مُنَجِب، الإشارة إلى من نال الوزارة**، المجلد الخامس والعشرون، بتحقيقه و التعليق عليه: عبدالله مخلص، قاهره، المعهد العلمى الفرنسيه للآثار الشرقيه، ١٩٢٤م.
٨. ابن طوير، عبدالسلام بن حسن، **نزهة المقلتين في أخبار الدولتين**، بيروت، المعهد الألماني للأبحاث الشرقية، ١٤٣٠ ق / ٢٠١٠م.
٩. ابن مأمون البطائحي، جمال الدين ابو على موسى، **نصوص من اخبار مصر**، تحقيق ايمن فؤاد سيد، قاهره، المعهد العلمى الفرنسى للآثار الشرقيه، ١٩٨٣م.
١٠. ابن ممانى، اسعد بن مهذب، **قوانين الدواوين**، محقق عطيه، عزيز سوريال، الطبعة الاولى، قاهره، مكتبة مدبولي، ١٤١١ ق / ١٩٩١م.

۱۱. ابن میسر، محمد بن علی، **المنتقى من اخبار مصر**، قاهره، المعهد العلمى الفرنسى للآثار الشرقيه، ۱۹۸۱م.
۱۲. ابو عبيد، قاسم بن سلام، **الأموال**، بيروت، دار الفكر، بی تا.
۱۳. ابو یوسف، یعقوب بن ابراهیم، **الخراج**، ترجمه میر علی اصغر شعاع، افغانستان، نشر اخبار ثروت، ۱۳۳۵ش.
۱۴. آیینه‌وند، صادق، یوسفی‌فر، شهرام، «تعامل دیوانیان و نظامیان در دوره اول خلافت فاطمیان در مصر»، **تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء**، سال ۲۲، ش ۱۵، پیاپی ۱۰۳، ۱۳۹۱ش، صص ۱۳۰-۱۱۳.
۱۵. باشا، حسن و فهمی، عبدالرحمن و علی یوسف عبدالرئوف و عبدالرحیم علیوه، حسین و نجیب، محمد مصطفی، **القاهره تاریخها، فنونها و اثارها**، قاهره، مکتبه الاسکندریه مؤسسه الاهرام، ۱۹۷۰م.
۱۶. براوی، راشد، **حاله مصر الاقتصادیه فی عهد الفاطمیین**، قاهره، ناشر مکتبه النهضة المصریه، ۱۳۶۸ق/۱۹۴۸م.
۱۷. تطیلی، بنیامین بن یونه، **رحلة بنیامین التطیلی**، محقق: شیخ، عبدالرحمن عبدالله، ابوظبی - امارات، المجمع الثقافی، ۲۰۰۲م.
۱۸. جیهانی، ابوالقاسم احمد، **اشکال العالم و آداب و رسوم اجتماع سرزمین‌های اسلامی**، تصحیح و حواشی: فیروز منصوری، مشهد، شرکت به‌نشر، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ش.
۱۹. چاپرا، محمد عمر، **دولت رفاه اسلامی و نقش آن در اقتصاد**، ترجمه محمد جواد مهدوی، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چ ۲، ۱۳۹۳ش.
۲۰. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، تصحیح مؤسسه آل‌البیت علیه السلام، مجلد التاسع، قم، مؤسسه آل‌البیت علیه السلام، ۱۴۰۹ق.

٢١. حموده، عبدالحميد حسين محمود، الحضارة الإسلامية في اقليم الدلتا في العصر الفاطمي، القاهرة، دار الأفاق العربية، ٢٠١٤م.
٢٢. حميرى، محمد بن عبد المنعم، الروض المعطار في خبر الأقطار، مصحح: احسان عباس، بيروت، مكتبة لبنان ناشرون، الثانية، ١٩٨٤م.
٢٣. سالم، السيد عبدالعزيز، تاريخ الاسكندرية و حضارتها، اسكندرية، مؤسسة شباب الجامعة، ١٩٦١م.
٢٤. سخاوى، محمد بن عبد الرحمن، البلدانيات، محقق: قطان، حسام بن محمد، رياض، دار العطاء، ١٤٢٢ق/٢٠٠٢م.
٢٥. سرور، محمد جمال الدين، الدولة الفاطمية في مصر، سياستهم الداخليه و مظاهر الحضاره في عهدها، قاهره، كليه الآداب، جامعه القاهرة، دار الفكر العربى، ١٩٦٦-١٩٦٥م.
٢٦. سيد، ايمن فؤاد، دولت فاطميان در مصر، تحليلي جديد، ترجمه اسماعيل باغستاني، تهران، نشر نى، ١٤٠٠ش.
٢٧. سيد صاوى، احمد، مجاعات مصر الفاطمية اسباب و نتائج، بيروت، دار التضامن، ١٩٨٨م.
٢٨. شهيدى پاك، محمد رضا، تاريخ تشكيلات در اسلام، قم، مركز بين المللى ترجمه و نشر المصطفى، ١٣٩٢ش.
٢٩. صالح، حسن محمد، التشيع المصرى الفاطمى (إشعاع حى و حضارى: مائتان و عشر سنوات من الإبداع الإنسانى)، مجلد الثالث، الطبعة الاولى، بيروت، دار المحجة البيضاء، ٢٠٠٣م.
٣٠. صدر، كاظم، اقتصاد صدر اسلام، تهران، مركز چاپ و انتشارات دانشگاه شهيد بهشتى، ١٣٧٤ش.



۳۱. طقّوش، محمد بن سهیل، **تاریخ الفاطمیین فی شمالی افریقیه و مصر و بلاد الشام** (۵۶۷-۲۹۷)، الطبعة الثانية، بیروت، دار النفائس، ۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م.
۳۲. عطارزاده، بهزاد، سید حسینی، سید مصطفی، «دولت، توسعه و اصلاحات مالی در فضای جهانی شده»، **مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی**، دوره ۳، ش ۶، ۱۳۹۱ش، صص ۷۶-۹۵.
۳۳. عبدالمجید سلام، حوریه عبده، «الحیاه الاقتصادیه و الاجتماعیه فی مدینه الفسطاط حتی العصر الفاطمی»، رساله للحصول علی درجه الماجستير، اشراف: دکتر حسن احمد محمود، جامعه القاهرة کلیه الآداب، ۱۹۷۱م.
۳۴. عیدروس، محمد حسن، **الدولة الإسلامية الخامسة: الخلافة الفاطمية، أسرة الإمام محمد المکتوم بن إسماعیل العلویة**، قاهره، دارالکتاب الحدیث، ۲۰۱۰م.
۳۵. غفاری، هادی، **نظام اقتصادی در صدر اسلام**، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶ش.
۳۶. قاضی نعمان، **افتتاح الدعوة**، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۶ق/۲۰۰۵م.
۳۷. قاضی نعمان، **الهّمّه فی آداب اتباع الائمّه**، محقق: محمد کامل حسین، بی‌جا، دار الفكر العربی، بی‌تا.
۳۸. قربانی حصارى، مهدی، «مصادره اموال: اهداف و کارکردهای سیاسی و اقتصادی آن در عصر عباسی (از آغاز تا پایان سده پنجم ق)»، **تاریخ و تمدن اسلامی**، سال ۱۲، ش ۲۳، ۱۳۹۵ش، صص ۶۹-۴۷.
۳۹. قلقشندی، احمد بن علی، **صبح الأعشى فی صناعة الإنشاء**، مجلد العاشر، قاهره، دار الکتب المصریة، ۱۳۳۲-۱۳۳۸ق/۱۹۱۴-۱۹۲۲م.
۴۰. گودرزی، سعید، الهدادی، نورالدین، **نابرابری و امنیت در سطوح خرد و کلان (بررسی نظری و تجربی)**، تهران، نشر اندیشه احسان، ۱۳۹۸ش.

٤١. ماجد، عبدالمنعم، **نظم الفاطميين و رسومهم في مصر**، قاهره، مكتبه الأنجلو المصرية، ١٩٥٣م.

٤٢. ماجد، عبدالمنعم، **السجلات المستنصرية (سجلات و توقيعات و كتب لمولانا الامام المستنصر بالله اميرالمومنين الى دعاه اليمن و غيرهم)**، قاهره، دارالفكر العربي، ١٩٥٤م.

٤٣. متر، آدام، **تمدن اسلامي در قرن چهارم هجري**، ترجمه علي رضا ذكاوتي قراگزلو، تهران، امير كبير، ١٣٨٨ش.

٤٤. مخزومي، علي بن عثمان، **المنتقى من كتاب المنهاج في علم خراج مصر**، تحقيق كلود كاهن و مراجعه يوسف راغب، قاهره، المعهد العلمى الفرنسى للآثار الشرقية، ١٩٨٦م.

٤٥. مسبحي، محمد بن عبيدالله بن احمد، **الجزء الأربعون من اخبار مصر**، قاهره، دارالكتب و الوثائق القومي، ١٤٣٦ق/٢٠١٤م.

٤٦. مقدسى، ابو عبدالله محمد بن احمد، **احسن التقاسيم في معرفة الاقاليم**، ج ٢، ترجمه علي نقى منزوي، تهران، شركت مؤلفان و مترجمان ايران، ١٣٦١ش.

٤٧. مقرئى، تقى الدين أحمد بن على، **إمغاثة الأئمة بكشف الغمة أو تاريخ المجاعات في مصر**، بيروت، المكتبة العصرية، شركه ابناء الشريف الانصارى للطبع و النشر و التوزيع، ١٤٢٩ق.

٤٨. مقرئى، تقى الدين أحمد بن على، **اتعاظ الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء**، المحقق الجزء ١: جمال الدين الشيال (أستاذ التاريخ الإسلامى وعميد كلية الآداب- جامعة الإسكندرية)، قاهره، مؤسسة دارالتحرير للطبع و النشر مطابع شركة الاعلانات الشرقية، ١٣٨٧ق/١٩٦٧م.

٤٩. مقرئى، تقى الدين أحمد بن على، **اتعاظ الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء**، الطبعة الأولى، المحقق الجزء ٢ و ٣: محمد حلمى محمد أحمد (أستاذ التاريخ



الإسلامی-کلیه دارالعلوم، جامعة القاهرة)، قاهره، المجلس الأعلى للشئون الإسلامية-لجنة إحياء التراث الإسلامي ۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م.

۵۰. مقریزی، تقی‌الدین أحمد بن علی، **المواعظ والإعتبار بذكر الخطط والآثار المعروف بالخطط المقریزية**، محشی: خليل منصور، بیروت، دار الکتب العلمیة. ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م.

۵۱. مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی، **پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، (ترجمه خطط مقریزی)**، به تصحیح گاستون ویت، ترجمه پرویز اتابکی، ج ۲ و ۴، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۷ش.

۵۲. مونس، حسین، **تاریخ و تمدن مغرب**، ترجمه حمیدرضا شیخی، ج ۲، تهران، سمت، ۱۳۹۰ش.

۵۳. ناصر خسرو قبادیانی، ابومعین حمیدالدین، **سفرنامه**، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، کتاب‌فروشی زوار، چاپ سپهر، ۱۳۳۵ش.

۵۴. نویری، شهاب‌الدین احمد، **نهایه‌الارب فی فنون‌الادب**، الجزء الثامن و العشرون، قاهره، دارالکتب والوثائق القومية، ۱۴۲۳ق.

۵۵. واکر، پل ارنست، **پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی، تاریخ فاطمیان و منابع آن**، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر فرزاد روز، ج ۲، ۱۳۹۸ش.

۵۶. یعقوبی، احمد بن اسحاق، **البلدان**، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶ش.

۵۷. یعقوبی، احمد بن اسحاق، **تاریخ یعقوبی**، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ج ۱۲، ۱۳۹۵ش.

۵۸. Goitein, S.D., "From the Mediterranean to India: Documents on the Trade to India, South Arabia, and East Africa from the Eleventh and Twelfth Centuries", *Speculum* XXXIX (1954), pp. 181-197.